

عاشورا

و الكوگیری

جواد محدثی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورا و الگوگیری

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

جواد محدثی

فهرست

۵ فهرست
۶ عاشورا و الگوگیری
۶ مشخصات کتاب
۶ عاشورا و الگوگیری
۷ پاورقی

نویسنده: جواد محدثی

ناشر: جواد محدثی

انسان‌ها بیش از حرف‌ها و نوشته‌ها، از اشخاص و عملکردها الگو می‌گیرند. تأثیرگذاری یک حادثه یا الگوی رفتاری بر اندیشه‌ها و عمل‌های مردم، بیشتر از گفتار است. از این رو در قرآن کریم، کسانی به عنوان «اسوه» معرفی شده‌اند تا مردم در ایمان و عمل از آنان سرمشق بگیرند. حادثه‌های هم که از پیشینیان در قرآن آمده است، بویژه بخش‌هایی که به نیکی‌ها، ایمان‌ها، صبرها، مجاهدت‌ها و اطاعت‌ها و ایثارهای فرزندان اشاره شده، همه برای معرفی الگوست. تاریخ اسلام و شخصیت‌های برجسته اسلامی نیز برای مسلمانان در همه دوره‌ها الگو بوده است و تعالیم دین ما و اولیاء مکتب نیز توصیه کرده‌اند که از نمونه‌های متعالی و برجسته در زمینه‌های اخلاق و کمال، سرمشق بگیریم. در میان حوادث تاریخ، «عاشورا» و «شهادت کربلا» از ویژگی خاصی برخوردارند و صحنه صحنه این حماسه ماندگار و تک‌تک حماسه‌آفرینان عاشورا، الگوی انسان‌های حق‌طلب و ظلم‌ستیز بوده و خواهد بود، همچنان که «اهل بیت» بصورت عام‌تر، در زندگی و مرگ، در اخلاق و جهاد، در کمالات انسانی و چگونه زیستن و چگونه مردن، برای ما سرمشق‌اند. از خواسته‌های ماست که حیات و ممات ما چون زندگی و مرگ محمد و آل محمد باشد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». [۱]. امام حسین - علیه السلام - حرکت خویش را در مبارزه با طاغوت عصر خودش، برای مردم دیگر سرمشق می‌داند و می‌فرماید: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ» [۲]. نهضت عاشورا، الهام گرفته از راه انبیا و مبارزات حقجویان تاریخ و در همان راستاست. استشهادی که امام حسین - علیه السلام - به کار پیشینیان می‌کند، نشان‌دهنده این الگوگیری است. هنگامی که می‌خواست از مدینه خارج شود، این آیه [۳] را می‌خواند: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، [۴] که اشاره به خروج خائفانه حضرت موسی از شهر و گریز از سلطه طاغوتی فرعون و ظلم اوست و نشان می‌دهد که آن اقدام موسای کلیم، می‌تواند الگو به حساب آید که حضرت، آیه مربوط به او را خواند. قبل از حرکت نیز در وصیتنامه‌ای که به برادرش محمد حنفیه نوشت و مبنا و هدف و انگیزه خروج را بیان کرد، از جمله تکیه آن حضرت بر عمل به سیره جد و پدرش و پیمودن همان راه بود و نهضت خود را در همان خط سیر معرفی کرد: «وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» [۵] و سیره پیامبر و علی - علیه السلام - را الگوی خویش در این مبارزه با ظلم و منکر دانست. این شیوه، تضمینی بر درستی راه و انتخاب است که انسان مبارز، از اولیای دین و معصومین الگو بگیرد و برای کار خود حجت شرعی داشته باشد. در سخنی دیگر، آن حضرت فرموده است: «وَلِيٌّ وَ لَهْمٌ وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ» [۶] و پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - را اسوه خود و هر مسلمان دیگر قلمداد کرده است. پیامبر اکرم، دو فرزندش امام حسن و امام حسین - علیهم السلام - را «امام» معرفی کرده است، چه قیام کنند، چه بنشینند: «إِنِّي هَذَا إِمَامَانِ، قَامَا أَوْ قَعَدَا». [۷]. پس از قیام عاشورا نیز در همان خط امام و اسوه و الگو بودن امام حسین - علیه السلام - بود و عمل آن حضرت برای امت می‌توانست سرمشق و سرخط باشد و مبنای مشارکت پیروان امامت در مبارزه با حکومت یزیدی باشد، مبارزه‌ای که ریشه در جهاد همه پیامبران ربّانی و همه جهادهای مقدّس مسلمانان صدر اسلام در رکاب حضرت رسالت داشت. در زیارت مسلم بن عقیل، می‌خوانیم که: گواهی می‌دهم که تو بر همان راهی رفتی که مجاهدان بدر، در راه خدا رفتند و با دشمنان خدا پیکار کردند. [۸] این جمله نشان می‌دهد که «شهادت بدر» به عنوان الگویند و شهیدان نهضت امام حسین - علیه السلام

- نیز در تأسی به آنان در خون خویش غلتیده‌اند. در زیارت شهدای کربلا می‌خوانیم: سلام بر شما ربّانیان، شما برای ما پیشتاز و پیشاهنگ هستید و ما هم پیرو و یاور شمایم: «أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَ أَنْصَارٌ». [۹]. هم‌خطی و هم‌سویی جهاد رزمندگان با اسوه‌های خداپسند که از سوی مکتب، معرّفی شده است، به آن جهاد، مشروعیّت و قداست می‌بخشد. چون عاشورا «الگو» بود، هم کسانی که به هر دلیلی در آن شرکت نکردند، بعدها حسرت و افسوس می‌خوردند، و هم کوتاهی کنندگان نسبت به یاری امام، جزو توّابین شدند و در فکر جبران گذشته برآمدند. این حاکی از شاخص بودن حرکت امام است. در تاریخ اسلام نیز، بسیاری از قیام‌های ضد ستم و نهضت‌های آزادی بخش، با الهام از حرکت عزّت‌آفرین عاشورا شکل گرفت و به ثمر رسید. حتّی مبارزات استقلال طلبانه هند به رهبری مهاتما گاندی، ثمره این الگوگیری بود؛ همچنانکه خود گاندی گفته است: «من زندگی امام حسین - علیه السّلام - آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین - علیه السّلام - پیروی کند». [۱۰]. قائد اعظم پاکستان، محمدعلی جناح نیز گفته است: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آن که امام حسین - علیه السّلام - از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد، پیروی نمایند». [۱۱]. عاشورا، هم این پیام را می‌دهد که باید از این «الگو» که در زمینه‌هایی همچون: شجاعت، ایثار، اخلاص، مقاومت، بصیرت، ظلم‌ستیزی، دشمن‌شناسی، فداکاری، اطاعت از پیشوا، عشق به شهادت و زندگی ابدی، سرمشق است، پیروی کرد، هم ماهیت خود نهضت عاشورا، الهام گرفته از سیره اولیاء خدا و عمل پیامبر و علی - علیه السّلام - است، هم به شهادت تاریخ، خود این حادثه الگوی مبارزات حق‌طلبانه بوده است. بارزترین نمونه آن، انقلاب اسلامی ایران بود که درس‌ها و الگوهای عاشورا، قوی‌ترین دستمایه جهاد مردم بر ضدّ طاغوت و دفاع رزمندگان در جبهه نبرد هشت ساله به شمار می‌رفت. نبرد و شهادت مظلومانه برای رسوا ساختن ظالم، عمل به تکلیف در شدیدترین حالات تنهایی و بی‌یآوری، رها نکردن هدف حتّی با کمبود نفرات و شهادت یاران، همه و همه از ثمرات الگوگیری از عاشورا بود. امام امّیت، در اسوه بودن عاشورا برای نهضت پانزده خرداد می‌فرماید: «ملت عظیم‌الشان، در سالروز شوم این فاجعه انفجارآمیزی که مصادف با پانزده خرداد ۴۲ بود، با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۴۲ و از آن تا قیام عالمی بقیه الله اروحنا لمقدمه الفداء در هر مقطع انقلاب‌ساز است». [۱۲]. از عاشورا، حتّی در زمینه تاکتیک‌ها و کیفیت مبارزه و سازماندهی نیروها و خط مشی مبارزه و بسیاری از موضوعات دیگر هم می‌توان الهام گرفت. در این زمینه هم رهنمود امام خمینی (ره) چنین است: «حضرت سیدالشهداء - علیه السّلام - از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه کنند و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ کنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت این که مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت این که قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد با یک عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهداء به ملت ما آموخته است...» [۱۳]. سزاوار است که نهضت عاشورا از ابعاد مختلف، مورد بازنگری دقیق قرار گیرد و شیوه‌های مبارزه، خطوط اصلی تبلیغ، عوامل ماندگاری یک حرکت انقلابی و ثمربخشی آن در طول سالیان متمادی، و درس‌هایی که برای به حرکت درآوردن ملت‌های خفته و خمود در آن نهفته است، تبیین گردد و عاشورا به یک «مکتب» و «دانشگاه» تبدیل گردد.

پاورقی

- [۲] موسوعه کلمات الامام الحسين، ص ۳۶۱.
- [۳] قصص، آیه ۲۱.
- [۴] اعيان الشيعه، ج ۱، ص ۵۸۸.
- [۵] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
- [۶] وقعه الطّف، ص ۲۰۱.
- [۷] ارشاد، شيخ مفيد، ج ۲، ص ۳۰.
- [۸] مفاتيح الجنان، زيارت مسلم بن عقيل، ص ۴۰۲.
- [۹] التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۷۶.]
- [۱۰] فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۹.
- [۱۱] فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۹.
- [۱۲] صحيفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۹.
- [۱۳] صحيفه نور، ج ۱۷، ص ۶۰.